

نقد  
اقتصاد سیاسی

# یادداشت‌های یک اقتصاددان درباره‌ی ایران

## ژوزف رابینو

### ترجمه‌ی احمد سیف



متن سخنرانی در انجمن سلطنتی آمارگران در ۲۳ آوریل ۱۹۰۱

نقد اقتصاد سیاسی

شهریورماه ۱۳۹۷

در آغاز قرن بیستم، ایران در آستانه‌ی انقلاب مشروطه قرار داشت؛ انقلابی که ناتمام ماند. ایران آن زمان، صحنه‌ی رقابت‌های آشکار و پنهان قدرت‌های استعماری، به‌ویژه انگلستان و روسیه، بود. ژوزف رابینو نخستین رئیس بانک شاهنشاهی ایران بود، بانکی که در ۱۸۸۵ و در پی واگذاری امتیاز تأسیس بانک به بارون جولوس دو رویتر تأسیس شده بود. بانک شاهنشاهی نخستین بانک مدرن ایران بود که مرکز قانونی‌اش در لندن و تابع قوانین بریتانیا بود. متن حاضر در سال ۱۹۰۱ در نشریه‌ی انجمن آمارگران سلطنتی منتشر شد و ترجمه‌ی فارسی آن برای نخستین بار منتشر می‌شود. داده‌های ارائه‌شده در آن عمدتاً برگرفته از کتاب پروفیسور کاوالیره لورینی، استاد دانشگاه پادوا، بوده است که دولت ایتالیا منتشر کرده بود. ژوزف رابینو در لندن به دنیا آمده بود اما پدرش ایتالیایی بود. وی در سال ۱۹۰۸ از بانک استعفا داد.

لازم به یادآوری است که این مقاله در شرایطی منتشر شد که هنوز نفت ایران کشف نشده بود و قدرت‌های استعماری اقتصاد ایران را بیش‌تر از منظر دسترسی به بازارها و نیز جایگاه ارتباطی‌اش مورد توجه قرار می‌دادند. در مقاله‌ی حاضر، ابتدا از دیدگاه‌های ژوزف رابینو رئیس بانک شاهنشاهی ایران و سپس دیدگاه‌های برخی سیاستمداران انگلیسی وقت درباره‌ی جایگاه ژئواکونومیک ایران در اقتصاد شرق، ویژگی‌ها و توان‌های بالقوه‌ی اقتصاد ایران، رقابت انگلستان با روسیه و سایر قدرت‌های استعماری برای دستیابی به منافع تجاری در ایران آگاه می‌شویم.

همچنین این یادداشت‌ها و پرسش و پاسخ‌های همراه با آن به‌روشنی نشان‌دهنده‌ی پی‌آمدهای فعالیت استعماری در حوزه‌ی تجارت خارجی و فقدان نظامات مؤثر گمرکی در تضعیف تولیدات پیشه‌وران و فعالیت‌های مستقل تجار داخلی است. برخی از این پی‌آمدها را در قالب اعتراضات تجار در انقلاب مشروطه و نیز کنشگری‌های سیاسی ملیون ایرانی در دهه‌های بعد دیده‌ایم. - نقد اقتصاد سیاسی

\*\*\*

اهمیتی که ایران و تجارت با آن اخیراً در افکار عمومی جلب کرده است بهانه‌ی اراییه‌ی این مقاله به این انجمن است. این مقاله در واقع خلاصه‌ای است از کتابی که پروفسور کاوالیره لورینی استاد دانشگاه پادوا نوشته و از سوی دولت ایتالیا منتشر شده است.<sup>(۱)</sup>

پروفسور لورینی دلایل بسیار محکمی اراییه می‌دهد که چرا باید شرایط اقتصادی ایران را بررسی کنیم. کشوری که درباره‌اش بسیار بحث می‌شود و توصیف زیادی هم داریم ولی مردم کشورهای غربی برای منظورهای عملی اطلاعات زیادی درباره‌ی ایران ندارند.

مفید خواهد بود اگر مستقل از همه‌ی موضوعات نامربوط که به ساده‌ترین شکل مطرح می‌شوند مسائلی را که در نتیجه‌ی یک تمدن چندبعدی پیچیده شده‌اند بررسی کنیم. برای نمونه، در بررسی گزارش‌های هیئت تجارت خودمان و مسائل تجاری و صنعتی گوناگونی که مطرح می‌کنند نظرات آنها را با برآوردهایی که از درآمد شرکت‌های کشتی‌رانی، سرمایه‌گذاری خارجی و هزینه‌های سیاحان در کشورهای مختلف داریم تصحیح کنیم. در ایران آمار نداریم اما پدیده‌ی اقتصادی ایران نکته‌آموز است. مشاهده می‌کنیم که قند و شکر از کارخانه‌های کیف<sup>(۲)</sup> و نفت از باکو وارد می‌شود و در عین حال برای پرداختن بهای آنها پنبه، برنج، پشم و خشکبار به روسیه صادر می‌شود. مشاهده می‌کنیم که پول صاحب صنعت ساکن منچستر به صورت پارچه‌های پنبه‌ای به ایران می‌رسد و بعد قالی‌های ایرانی از سلطان‌آباد از طریق استانبول به لندن یا تریاک از شیراز به هنگ کنگ صادر می‌شود.

حتی با وجود خودکامگی بسیار مخرب بیست قرن و با نفی همه‌ی اصول ابتدایی اقتصاد هنوز بسیاری چیزهاست که باید یاد بگیریم چون «در بخش‌های یک بیمارستان است که اوضاع بحرانی است ولی واقعیت است که دکتر در میان این وضعیت بحرانی بهترین تجربه‌ها را به دست می‌آورد و بهترین شیوه‌ی کار را می‌آموزد.»

شاید مفید نباشد به مناقشه‌ی غامض نظام دوفلزی پردازیم اما، نظر به سقوط منطقی و اجتناب‌ناپذیر نقره، آن کشورهایی که از نقره اجتناب کردند باید بررسی شوند. با این هدف که پروفسور لورینی برای بررسی واحد پولی سرزمین دریای زرد در نظر دارد، پس از واریسی رفرم پولی در روسیه و اتریش به این نتیجه رسید که ایران منطقه‌ی گذار مناسبی است.

نقشی که ایران در گذر قرن‌ها به عنوان یک حلقه‌ی تجاری بین اروپا و آسیا ایفا کرد به ضرورت در راه زمینی به هندوستان و چین که اکنون مورد توجه روسیه و آلمان است احیا خواهد شد. آسیا به صدای بلند فرامی‌خواند و اروپایی‌ها نمی‌توانند این صدا را ناشنیده بگیرند و باید به مهد نژاد خود بازگردند. مشکل اصلی اجتماعی امروزین برقرار کردن پیوند میان آن چیزهایی است که پروفیسور لورینی سرمایه‌ی انسان و سرمایه‌ی خاک می‌نامد. ایده‌ی ملیت چیزی است که او به عنوان علت شلوغی دولت‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد و راه‌چاره اش هم هوا، نور، و فضایی است که بسی بیشتر از نیاز ما در اختیار ماست.

وصلت جنسی اولیه در خانواده ابتدا به صورت قبیله‌ی چادرنشین و بعد اسکان‌یافته درآمد. پیشرفت اجتماعی را از کلبه می‌توان آغاز کرد و بعد به ده رسید و سپس به شهر و پس آن‌گاه به نهاد پیچیده‌ی سیاسی، یعنی دولت که در ابتدا کوچک بود و بعد بزرگ شد. در این‌جا ولی برای قرن‌ها توسعه متوقف شده است و جمعیت رو به افزایش دائمی در این مرزها محدودند درحالی‌که تحت فشارند تا نیروهای لازم را برای حفظ این مرزهای دلبخواهانه فراهم آورند و تحت ستم‌کشی یک نظام حمایت‌گرایانه‌ای‌اند که برای حفظ منافع زمین‌داران بزرگ بر آنها تحمیل می‌شود.

پروفیسور لورینی حرف‌های زیادی برای گفتن درباره‌ی استعمار دارد. می‌گوید روس‌ها با آسیایی‌ها برادرانه رفتار می‌کنند ولی از عادت‌های انگلیسی‌های دستکش‌نرم‌به‌دست با شلاقی در یک دست و طپانچه‌ای در کمر ایراد می‌گیرد.

ژنرال کورویاتکین در چند سال پیش به همین نکته اشاره کرد. گفت: «دولت ما خودسرانه است» ولی «در واقعیت روحیه‌ی ما دموکراتیک است». درحالی‌که انگلیسی‌های اریستوکرات «آیا هیچ‌گاه به یک آسیایی به‌چشم‌هم‌ترازان می‌نگرند یا با آنها به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار آنها نژادی فرودست‌اند».

این ادعا گرچه به اندکی مبالغه آلوده است ولی کاملاً غیرواقعی نیست. این ایده‌ی پراکندگی در میان مستعمرات ما و ناراضایتی‌شان از این که از سوی کلان‌مرکز یک امپراطوری در حال نزول مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند و بیهودگی، عاطل بودن و بی‌ارزش بودن جوانان ما که نویسنده درباره‌شان سخن می‌گوید نشان می‌دهد که او به آن اندازه‌ای که درباره‌ی دیگر کشورها که درباره‌شان سخن می‌گوید می‌داند دانش‌اش درباره‌ی انگلستان کافی نیست. همچنین روشن است که این کتاب قبل از جنگ ترانسوال<sup>(۳)</sup> که حداعلا‌ی وحدت و سرسپردگی مستعمرات و میهن‌دوستی و شجاعت جوانان ما را خواه

در عرصه‌ی نظامی و خواه غیرنظامی نشان داد نوشته شده است. در واقع می‌توان گفت که امپراطوری بریتانیا تقریباً به طور نامحدود گسترش مرزهایش را که پروفیسور لورینی درباره‌اش سخن می‌گوید می‌شناسد.

به جای این که خلاصه‌ای از واقعیاتی را که پروفیسور لورینی در کتابش مطرح می‌کند بیان کنم که فراتر از محدوده‌ی این بررسی است بهتر است به تازه‌ترین گزارش‌ها پردازم که اطلاعات آمده در کتاب را تکمیل کرده باشم. سالنامه‌ی دولت بریتانیا تجارت خارجی ایران را سالی ۹ میلیون پوند برآورد می‌کند که، به گمان من، میزان واقعی از این بیشتر است. تجارت ایران را می‌توان به این صورت تقسیم کرد:

- بنادر خلیج فارس

- شمال

- شمال غربی

- جنوب غربی

۱۸۹۹	۱۸۹۸	
۴۳۳۵۸۸۳ پوند	۳۷۹۷۹۱۹ پوند	کل تجارت منطقه‌ی خلیج فارس بر اساس برآورد وزارت خارجه
۲۶۰۰۵۰۳ پوند	۲۳۶۸۸۸۰ پوند	سهام بریتانیا و هندوستان

دولت روسیه هم آمارهایی را منتشر کرده است که در جدول زیر ملاحظه می‌کنید

سال	واردات به ایران	صادرات از ایران	کل تجارت به پوند
	روبل	روبل	
۱۸۹۵	۱۴۱۵۹۷۲۳	۱۸۹۶۴۶۲۶	۳۴۸۶۷۷۰
۱۸۹۶	۱۴۵۰۱۴۴۵	۱۷۴۹۲۳۱۲	۳۳۶۷۷۶۴
۱۸۹۷	۱۶۰۳۶۰۳۲	۱۸۶۴۹۶۶۹	۳۶۵۱۱۳۰

به این ترتیب تجارت با روسیه تقریباً معادل تجارت از ایالات جنوبی است. آنچه باقی می‌ماند کالاهایی است که از طریق راه طرابوزان<sup>(۴)</sup> - تبریز از کشورهای سواحل مدیترانه و به‌ویژه از ترکیه که در ضمن بازار مهمی برای محصولات

ایرانی است وارد می‌شود و هم‌چنین راه تجارتي مهم بغداد- کرمانشاه. کل تجارت شناخته‌شده از این طریق هم احتمالاً سالی ۹ تا ۱۰ میلیون پوند است.

آنچه که جمع‌آوری آمارهای قابل وثوق درباره‌ی تجارت را تقریباً ناممکن می‌کند این نظام اجاره‌دهی اداره‌ی گمرگ است که از زمان‌های خیلی دور در ایران رایج بوده است و هر کس که در ارتباط با گمرک قرار می‌گیرد منفعت مستقیمی دارد که آمارها را کم برآورد کند و این کار با شدت تمام انجام می‌گیرد.

دولت سال گذشته در واکنش به مشکلات مالی تصمیم گرفت که در پیوند با گمرکات یک اداره‌ی دولتی ایجاد کند و با وجود مشکلات فراوانی که پیش‌روی این کوشش برای تغییر سیستم قدیم قرار گرفتند می‌توان گفت آقای نوز بلژیکی<sup>(۵)</sup> که به ریاست گمرکات کشور منصوب شد موفقیت‌های قابل‌توجهی داشته است.

عوارضی که در ایران وضع می‌شود بر اساس قرارداد ترکمانچای ۱۸۲۸ است که بر واردات و صادرات ۵ درصد ارزش آنها عوارض اعمال می‌شود. در تجارت با ترکیه ولی یک قرار جداگانه‌ی عوارض صادرات را ۲ درصد و عوارض واردات را ۶ درصد قرارداده است ولی برای تنباکو و نمک میزان عوارض ۷۵ درصد تعیین شده است. اما هرگز عوارضی که وضع می‌شود به دست دولت نمی‌رسد و درآمد دولت به‌طور متوسط ۲ تا ۳ درصد است. درآمد ناشی از اجاره‌داری در دو سال گذشته بیش از ۲۲۰۰۰۰ پوند نبود ولی در سال گذشته که این نظام تغییر کرد درآمد ۳۰۰۰۰۰ پوند بود و امسال هم احتمالاً درآمد دولت بیشتر خواهد شد. سوءاستفاده از این نظام به حدی است که کوچک‌ترین کوشش برای اصلاح آن بی‌آمدهای قابل‌توجهی خواهد داشت. ولی با توجه به ضعف دولت در ایالات هیچ دلیلی وجود ندارد که نتوان حتی بدون تغییر میزان عوارض بیش از دو برابر درآمد کسب کرد. برآورد جدول زیر برای سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ نشان می‌دهد که گمرکات چگونه تقسیم شده است.

پوند	
۱۹۰۰۰۰	گمرک شمال و شمال غربی، آذربایجان ( روسیه و طرابوزان) و بنادر بحر خزر و همچنین راه‌های داخلی قزوین و تهران
۸۸۰۰۰	گمرکات جنوب از جمله راه‌های داخلی جنوب تهران
۲۷۸۰۰	گمرکات غرب، مرز ترکیه و کردستان
۳۰۵۸۰۰	کل

اگر متوسط عوارض را ۲ تا ۳ درصد در نظر بگیریم، برآورد ما از کل تجارت بین ۹ تا ۱۰ میلیون پوند است. در حال حاضر مذاکراتی در جریان است تا با روسیه برسر یک قرارداد تجاری تازه توافق کنند. سال آینده برای اولین بار ما آمارهایی خواهیم داشت که از سوی مسئولات گمرک جمع‌آوری شده است. محصولات ایران بدون تردید می‌توانند بسیار بیشتر باشند به شرط این که برای بهبود راه‌های ارتباطی داخلی و نظام آبیاری اقدامات لازم صورت بگیرد.

#### غلات

در مناطق جنوب غربی کمبود راه‌ها باعث شد تا زمین‌های وسیعی کشت نشوند. در این منطقه گندم زیادی تولید می‌شد و اگر امکانات حمل و نقل بهبود یابد دوباره هم می‌تواند تولید شود. منطقه‌ی کارون دشت بسیار حاصل‌خیزی است و اگر سد خرابه‌ای که در نزدیکی اهواز است مرمت شود می‌تواند دوباره راه بیفتد.

#### پنبه

کشت این محصول به طور دائم در ایران افزایش و بهبود می‌یابد. تولیدکنندگان روسی توجه ویژه‌ای به پنبه‌ی ایران دارند و می‌توانند با ۵ درصد عوارض آن را وارد کنند.

## تریاک

این محصول پر قیمت که صادرات اش تنها از چند سال پیش آغاز شده اکنون منبع سالانه بین ۴۵۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰ پوند از تجارت خارجی ایران است و این رقم مستقل از این است که میزان زیادی هم در داخل مصرف می‌شود. با شیوه‌های علمی تر تولید، تردید نیست که میزان تولید می‌تواند افزایش یابد و، به‌علاوه، عوارض صادرات در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای صادرکننده به نسبت ناچیز است و همین صادرات تریاک ایران را جذاب می‌کند.

## ابریشم

این محصول برای چندین قرن محصول اصلی صادراتی ایران بود ولی بیماری کرم ابریشم در فاصله‌ی ۱۸۶۰ تا ۱۸۹۳ تقریباً تولید ابریشم را منهدم کرد، هرچند از ۱۸۹۳ به این سو کوشش‌های زیادی برای احیا تولید و تجارت ابریشم صورت گرفت و رشد قابل توجهی داشته است. صادرات پیلای کرم ابریشم از رشت مرکز ایالت گیلان و مرکز عمده‌ی تولید این محصول به صورت جدول زیر گزارش شده است:

سال	وزن به کیلو	ارزش به پوند
۱۸۹۳	۳۵۰۰۰	۶۴۷۵
۱۸۹۴	۷۶۰۰۰	۱۱۷۸۰
۱۸۹۵	۱۰۷۰۰۰	۱۵۵۰۵
۱۸۹۶	۱۰۴۰۰۰	۱۴۰۴۰
۱۸۹۷	۱۵۷۰۰۰	۲۳۵۵۰
۱۸۹۸	۲۷۹۰۰۰	۵۵۸۰۰
۱۸۹۹	۵۳۵۰۰۰	۱۱۲۳۵۰
۱۹۰۰	۷۳۳۰۰۰	۱۵۰۲۶۵

مقدار زیادی ابریشم در داخل مصرف می‌شود. سطح تولید هنوز می‌تواند افزایش یابد و دلیلی وجود ندارد که میزان تولید در فاصله‌ی کوتاهی حتی دوبرابر نشود.



## برنج

برنج که کشت‌اش به جای ابریشم انجام می‌گرفت نه تنها کنار گذاشته نشد بلکه تولیدش رشد داشته است.

## تجارت خراسان

تجارت این ایالت که در شمال شرقی ایران قرار دارد از این نظر حائز اهمیت است چون سختی معیشت و کمبودها در ایالت‌های کرمان، یزد و آذربایجان موجب شده که بخشی از مردم به خراسان مهاجرت کنند. در نتیجه‌ی این مهاجرت و افزایش تجارت شهر مشهد در حال گسترش دائمی است و خانه‌های تازه ساخته می‌شود. بخش قالی‌بافی هم در حال گسترش است چون تقاضا از مصر و ترکیه و اروپا افزایش یافته است. در عین حال تقاضای خارجی برای شال روند نزولی دارد. صادرات به هندوستان که عمدتاً شامل تریاک، ابریشم و اسب است ثابت مانده ولی صادرات به روسیه روند افزایشی نشان می‌دهد. بخشی از این افزایش به خاطر امکاناتی است که دولت روسیه برای رشد تجارت فیما بین ایجاد کرده است. برای نمونه آژانس‌هایی برای مبادله که در اداره‌ی گمرکات مرزی ایجاد کرده‌اند و بخشی هم به این خاطر است که تعداد قابل توجهی از سربازان روسی در ترکمنستان مستقر هستند. این سربازان بخش عمده‌ای از نیازهای خود را از خراسان تأمین می‌کنند و به همین خاطر بخش قابل توجهی از غلات به مرزها ارسال می‌شود و چون صادرات غلات ممنوع است این میزان در آمارهای گمرکات بیان نمی‌شود. میزان قابل توجهی پشم هم از این مناطق به روسیه ارسال می‌شود. البته اخیراً بخشی از این تجارت از مشهد به مسیر شیخ جنید منتقل شده و در نتیجه تجارت این جا اندکی کاهش نشان می‌دهد. یک کارخانه‌ی بافندگی بسیار موفقی در اصفهان از سوی چند ایرانی ایجاد شده است ولی در نتیجه‌ی رقابت روس‌ها صادرات پارچه‌های این کارخانه به خارج از مرزهای شمالی کاهش یافته است. صادرات پسته و نیشکر به هرات افزایش نشان می‌دهد.

در پیوند با واردات به ایران میزان چای وارداتی از هندوستان و روسیه افزایش نشان می‌دهد و تقاضا برای قهوه هم روند افزایشی دارد. در نتیجه، تسهیلاتی که روس‌ها با نظام اعطای جایزه‌شان ایجاد کرده‌اند و همچنین در نتیجه‌ی

هزینه‌ی حمل و نقل بالا واردات قند و شکر از هندوستان متوقف شده است درحالی‌که تقاضای رو به رشد برای این محصول از روسیه تأمین می‌شود. داروهایی که از ترکیه وارد می‌شوند جایگزین داروهای وارداتی از هندوستان شده‌اند و کبریت‌های روسی هم که مشمول جایزه‌ی صادراتی می‌شوند کبریت‌های وارداتی از هندوستان را یک‌سره از بازار خارج کرده است. میزان واردات ابزارهای زین اسب، کالاهای فانتزی، و کارد و چنگال و همچنین نفت به‌علاوه‌ی سرب و روی از روسیه افزایش یافته است. درحالی‌که تقاضا برای شمد‌های هندی و انگلیسی در حال افزایش است ولی فروش چلووار سفید و غیرسفید و چیت گلدان افزایش نیافته است. اگرچه واردات کالاهای متفرقه افزایش یافته است ولی هزینه‌ی حمل و نقل بالا به صورت مانعی تقاضای پارچه‌های پنبه‌ای را کم‌تر کرده است. هزینه‌ی حمل و نقل زیاد از هندوستان باعث شده کل تجارت چشمگیر کاغذ از آن روسیه شود. همچنین هندوستان دیگر سهم قابل‌توجهی در واردات بلورآلات و ظروف چینی ندارد. بازار تهران برای بلورآلات و ظروف چینی نه در اختیار هندی‌هاست و نه حتی روسیه (به غیر از واردات اجناس با کیفیت پائین) بلکه در اختیار محصولاتی است که از اتریش وارد می‌شود. شرایط خاص و ویژه‌ی تجارت نیل و ورقه‌های مسی را در حال حاضر متوقف کرده است.

اگر هندوستان مایل است با روسیه برسر تجارت در این ایالت ایران رقابت کند باید هزینه‌ی حمل و نقل بسیار کاهش یابد. این یادآوری هم اصلاً جدید نیست، حتی در ۱۸۸۷ سیر نیکلسون که در آن موقع کاردار سفارت بریتانیا در تهران بود گزارش کرد که «حجم تجارت تغییر زیادی نکرده است ولی کالاهای روسی جای محصولات انگلیسی را گرفته است». تجارت انگلستان در مقایسه با شش یا هفت سال پیش به‌وضوح کاهش یافته است، به‌ویژه تجارت منسوجات انگلیسی که حدوداً نصف شده است. گذشته از مشکلات حمل و نقل در مقایسه با تسهیلاتی که روس‌ها برای تجارت خود با ایران ایجاد کرده‌اند، عامل دیگر هم این است که محصولات بنجلی به‌نام محصولات انگلیسی وارد شده است. واردات به هرات در گذشته به‌تمامی انگلیسی بود ولی اکنون کاملاً روسی است.»

صادرات به پوند

۱۸۹۹			۱۸۹۸			
کل	طلا و نقره	کالا	کل	طلا و نقره	کالا	
۵۲۹۳۴۸	۳۱۱۴۸	۴۹۸۲۰۰	۴۲۶۷۲۱	۱۹۱۷۸	۴۰۷۵۴۳	بوشهر
۵۵۱۹۸۵	۱۷۵۰۳۲	۳۷۶۹۵۳	۵۷۱۴۷۰	۱۵۵۱۸۷	۴۱۶۲۸۳	لنگه
۶۵۴۲۳۸	۶۶۲۸۰	۵۸۷۹۵۸	۴۹۶۳۰۵	۷۰۵۰۱	۴۲۵۸۰۴	بحرین
۵۶۵۲۵۳	۲۸۳۴۷	۵۳۶۹۰۶	۳۸۷۳۲۲	۲۶۲۵۰	۳۶۱۰۷۲	بنادر عربی
۱۳۱۷۰۶	۷۲۴۲۲	۵۹۲۸۴	۸۸۹۲۷	۵۵۹۶۶	۳۲۰۶۱	محمرة
۲۴۳۲۵۳۰	۳۷۳۲۲۹	۲۰۵۹۳۰۱	۱۹۷۰۷۴۵	۳۲۷۰۸۲	۱۶۴۳۶۶۳	کل سال

واردات به پوند

۱۸۹۹			۱۸۹۸			
کل	طلا و نقره	کالا	کل	طلا و نقره	کالا	
۹۱۶۵۲۸	۸۶۵۱۱	۸۳۰۰۱۷	۸۴۳۴۶۲	۶۰۴۱۶	۷۸۳۰۴۶	بوشهر
۶۱۱۶۲۵	۱۳۳۴۰۰	۴۷۸۲۲۵	۶۴۱۲۲۱	۱۱۱۸۷۵	۵۲۹۳۴۶	لنگه
۶۴۱۵۰۶	۱۴۴۱۴۴	۴۹۷۳۶۲	۵۵۱۷۲۸	۱۲۴۳۱۲	۴۲۷۴۱۶	بحرین
۳۴۳۱۵۱	۷۴۶۶۵	۲۶۸۴۸۶	۳۲۴۸۹۴	۶۶۸۷۵	۲۵۸۰۱۹	بنادر عربی
۲۰۷۸۹۲	۵۴۰۰	۲۰۲۴۹۲	۱۵۷۱۶۲	۷۳۳	۱۵۶۴۲۹	محمرة
۲۷۲۰۷۰۲	۴۴۴۱۲۰	۲۲۷۶۵۸۲	۲۵۱۸۴۶۷	۳۶۴۲۱۱	۲۱۵۴۲۵۶	کل سال

صادرات ایران به بریتانیا و هندوستان به پوند

۱۸۹۹		۱۸۹۸		
هندوستان	بریتانیا	هندوستان	بریتانیا	
۹۵۲۷۳	۷۸۳۰۸	۷۲۵۲۲	۱۱۵۴۷۱	بوشهر
۲۶۴۹۴۷	۳۶۶۳	۲۸۴۱۷۴	۲۸۸۱	لنگه
۴۷۳۰۷۴	-	۳۲۰۳۹۸	-	بحرین
-	-	-	-	بنادر عربی
۲۱۶۲۱	۱۱۰۷۳	۱۴۹۷۰	۸۳۹۱	محمرة
۸۵۴۹۱۵	۹۳۰۴۴	۶۹۲۰۶۴	۱۲۶۷۴۶	کل

واردات ایران از بریتانیا و هندوستان به پوند

۱۸۹۹		۱۸۹۸		
هندوستان	بریتانیا	هندوستان	بریتانیا	
۲۲۴۸۶۰	۴۴۱۰۲۲	۲۳۰۵۲۲	۴۰۱۶۳۷	بوشهر
۳۰۶۰۸۹		۳۴۶۵۵۵	۴۱۰	لنگه
۴۳۹۵۳۴		۳۵۷۹۷۸	-	بحرین
۵۸۹۳۷		۶۶۱۸۱	-	بنادر عربی
۱۰۷۲۱۳ <sup>^</sup>	۷۴۱۸۹	*۹۲۹۱۸	۵۳۸۶۹	محمرة
۱۱۳۶۶۳۳	۵۱۶۱۱۱	۱۰۹۴۱۵۴	۴۵۵۹۱۶	کل

\*شامل ۱۳۰۷۴ پوند اقلام وارداتی به عدن هم هست.

<sup>^</sup> شامل ۲۰۱۸۱ پوند واردات به عدن هم هست.

کل تجارت خارجی به پوند

۱۸۹۸				
سهام بریتانیا و هندوستان		کل تجارت		
۲۳۶۸۸۸۰	۸۱۸۸۱۰	۳۷۹۷۹۱۹	۱۶۴۳۶۶۳	صادرات
	۱۵۵۰۰۷۰		۲۱۵۴۲۵۶	واردات
۱۸۹۹				
۲۶۰۰۷۰۳	۹۴۷۹۵۹	۴۳۳۵۸۸۳	۲۰۵۹۳۰۱	صادرات
	۱۶۵۲۷۴۴		۲۲۷۶۵۸۲	واردات

واحد پول ایران با نکات آموزنده‌ی جالبی همراه است.

## پول طلا

طلایی در کشور ایران تولید نمی‌شود و، به استثنای مقادیر ناچیز، به صورت شمش طلا هم وارد نمی‌شود. سکه‌ی طلا بیشتر به صورت یک کالا درآمده است که عمدتاً برای هدیه یا احتکار استفاده می‌شود. با استفاده از سکه‌های خارجی مثل روبل روسی یا پوند ترکی که در پیوند با تجارت به مقدار کمی وارد ایران می‌شود آن را ضرب می‌کنند. طلافروشان هم از سکه‌های خارجی استفاده می‌کنند.

## پول نقره

نقره در ایران تولید نمی‌شود بلکه مستقیماً از بریتانیا یا غیرمستقیم از طریق هامبورگ و روسیه وارد می‌شود. ضربخانه در موقعیت بسیار ناهنجاری است و کارخانه که از ۱۸۷۷ به این سو در حال کار کردن بود، کاملاً فرسوده شده و از جهات مختلف غیرقابل استفاده است. در نتیجه، سکه‌ای که ضرب می‌شود بسیار محدود است و در بهترین حالت سالی ۳ تا ۴ میلیون تومان بیشتر نیست. تومان هم عملاً معادل ۴ شلینگ یا یک دلار امریکایی است. امسال دولت در رابطه با وامی که از روس‌ها گرفت حدوداً ۳ میلیون تومان نقره وارد کرد که در اختیار ضربخانه قرار گرفت. بانک شاهنشاهی هم یک میلیون تومان نقره وارد کرد و به صورت سکه درآورد. احتمالاً می‌توانیم واردات دیگران را به تقریب معادل ۵۰۰۰۰۰ تومان بدانیم. سال گذشته کل سکه‌ای که ضرب شد به‌سختی به دوونیم میلیون تومان رسید، حتی از آن هم مطمئن نیستیم.

به سبب اشکالات ماشین‌آلات ضربخانه علاقه شرقی‌ها به احتکار و جذابیت اقتصادی ایالات حاشیه‌ی بحر خزر برای نقره‌ی ایرانی، در داخل همیشه با کمبود سکه‌های نقره‌ای مواجه هستیم که باعث می‌شود ارزش‌اش بالا برود و معمولاً ۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از ارزش اسمی‌اش در بازار قیمت دارد. باید درباره‌ی جذابیت نقره‌های ایرانی در ایالات حاشیه‌ی بحر خزر توضیح بدهم.

سکه‌ی نقره‌ی ایرانی با همه‌ی کمبودهایی که دارد برای مثال معمولاً وزن‌اش تا ۲ درصد از آنچه باید باشد کمتر است، ولی معیاری برای یک واحد پول بین‌المللی است. سکه‌های نقره‌ی روسی در بهترین حالت وضعی بین یک معیار و

یک واحد پولی معمولی دارند. در نتیجه، حجم مبادلاتی که با سکه‌های نقره‌ی ایرانی انجام می‌گیرد به مراتب از سکه‌های نقره‌ی روسی بیشتر است. برای مثال در حال حاضر ۱۰۰۰۰۰ تومان معادل ۱۸۵۰۰۰ روبل است، ولی:

وزن نقره‌ی خالص در تومان از نظر قانونی	۱۳۳,۲۰۰ اونس
منهای ۲ درصد تقلب	۱۳۰,۵۳۶ اونس
وزن نقره‌ی خالص در روبل	۱۰۷,۰۶۲ اونس
تفاوت نقره‌ی ایرانی	۲۳,۴۷۴ اونس
اگر به درصد بیان شود	۲۱,۹۲

مقامات روسی مدت‌هاست که از جذابیت سکه‌های نقره‌ی ایرانی در مقابل سکه‌های نقره‌ی روسی در ایالات آسیایی خود واقف‌اند و حتی ۹ سال پیش با صدور فرمانی ورود سکه‌های ایرانی را ممنوع کردند. در عمل مشخص شد که این فرمان مؤثر نیست و پس از چند ماه خودشان لغوش کرده‌اند. سال گذشته هم دولت روسیه راجع به ورود سکه‌های خارجی اعلام موضع کرده و با صدور فرمانی ورود سکه‌های خارجی را بعد از ۱۳ مه ۱۸۹۹ ممنوع کرد. مدتی بعد صادرات نقره مشمول عوارض گمرکی شد و برای هر پوند وزن نقره ۳ روبل عوارض در نظر گرفته شد، حدوداً ۲۰ درصد. از آن تاریخ به بعد سکه‌های ایرانی - گفته می‌شود که به ایالات حاشیه‌ی بحر خزر قاچاق می‌شود و دولت روسیه هم تاکنون نتوانسته با آن به‌طور مؤثری مقابله کند. بخشی از سکه‌های ایرانی که به ایالات حاشیه‌ی بحر خزر و کشورهای همجوار می‌رود در افغانستان باقی می‌ماند و احتمالاً دوباره ضرب می‌شود. گفته می‌شود که بخش عمده‌ترش ذوب شده به صورت شمش نقره درمی‌آید که در تجارت زمینی با چین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هر ساله میزان قابل‌توجهی سکه از تهران - شهری که در آن ضرب می‌شود - به شمال، شمال شرقی، و شمال غربی به بیرون می‌رود و تا جایی که خبر داریم به میزان قابل‌توجهی به تهران بر نمی‌گردد. واردات نقره که بیشتر اشاره شد به این ترتیب جذب می‌شود.

## سکه‌های فرعی

بیشترین تقلبی که در ضرب سکه می‌شود و برای مدت‌های طولانی ادامه داشت ضرب بیش از اندازه‌ی سکه‌های مسی است، آن‌هم به دلایل متعدد: نظام منحوس اجاره‌دهی ضرابخانه، بی‌دانشی مسئولان و فساد مسئولان دولتی. سکه‌های مسی با این نسبت رسمی ضرب می‌شوند که ۲۰ شاهی معادل یک قران نقره باشد ولی عملاً ۳۰، ۴۰، ۵۰ و حتی ۸۰ شاهی مسی به‌ازای هر قران است. نظر به این که سکه‌های مسی همه‌ی آن چیزی است که فقرا به آن دسترسی دارند مصیبت‌هایی ناشی از اداره‌ی بد نظام ضرب سکه‌های مسی بر فقرا را می‌توان به‌راحتی تصور کرد. وقتی شاه فعلی [مظفرالدین شاه] به سلطنت رسید، این ضرورت احساس می‌شد که باید برای پایان بخشیدن به آن قدم‌هایی بردارد و دولت ۷۲۰۰۰۰ تومان سکه‌های مسی را به نسبت ۲۵ تا ۳۰ شاهی به‌ازای هر قران از گردش خارج کرد. اگرچه این میزان که از گردش خارج شد برای این که سکه‌های کم‌ارزش‌شده حذف شود کافی نبود ولی پی‌آمدش قابل‌توجه بود. با بی‌اعتبارشدن سکه‌های مسی جریان یافتن‌اش اندکی کاهش یافت به حدی که گاه کمبود سکه‌های کم‌ارزش مشاهده می‌شود. دولت برای مقابله مؤثرتر با این وضعیت دستور داد سکه‌های نیکلی شاهی و دوشاهی در ضرابخانه‌ی بروکسل ضرب شود تا احتیاجات عوام برآورده شود و راه برسوءاستفاده‌ی بیشتر بسته شود.

## پول کاغذی

دولت در ایران پول کاغذی صادر نمی‌کند بلکه در ۱۸۸۹ انحصار صدور پول کاغذی را به بانک شاهنشاهی واگذار کرده است که بر اساس اعتبار بانک به جریان می‌افتد. میزان ذخیره‌ی قانونی تنها ۳۳ درصد است ولی در عمل هرگز از ۶۰ درصد کمتر نبوده است. تثبیت یک پول کاغذی فرایندی بسیار زمان‌بر است ولی مردم به استفاده از آن عادت می‌کنند و به‌ویژه در تهران استفاده از پول کاغذی بسیار رایج است. جدول زیر میزان پول کاغذی صادره از سوی بانک شاهنشاهی در ۲۰ سپتامبر هر سال را نشان می‌دهد.

پول کاغذی (به تومان)

۴۱۵۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۶	۲۹۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۰
۲۰۳۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۷	۹۹۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۱
۳۶۵۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۸	۱۹۴۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۲
۵۸۹۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۹	۲۰۷۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۳
۱۰۵۸۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۹۰۰	۳۳۴۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۴
		۲۵۴۰۰۰	۲۰ سپتامبر ۱۸۹۵

شمس طلا و نقره به میزان کمی برای نیازهای صنعتی وارد می‌شود.

توصیف مختصر ایالت‌های ایران که از کتاب لورینی ترجمه شده است.

#### استرآباد:

شرایط اقلیمی: به سه منطقه تقسیم می‌شود در جنوب هوا ملایم است، در ارتفاعات خیلی سرد و در جلگه هم خیلی گرم و خشک.

محصولات: گندم، جو، پنبه، روغن کرچک، تنباکو، برنج.

صنایع محلی: پارچه‌های پشمی زمخت، نمد، قالی با کیفیت ترکمن‌ها.

تجارت محلی: مبادله بین شهرها و چادر نشین‌ها پشم خام، قالی و اسب در مقابل گندم، برنج و محصولات ساخته شده.

#### مازندران

شرایط اقلیمی: به غیر از مناطق کوهستانی هوای ملایمی دارد. در بهار و تابستان به علت رطوبت زیاد زمین، بیماری تب زیاد است. زهکشی آب زیادی می‌تواند به سهولت ارزش و سلامت این ایالت بسیار حاصل خیز را افزایش بدهد.

محصولات: کشت برنج به مقدار زیاد، پنبه، سبزیجات، روغن کرچک، میوه‌جات، انگور و غلات. چراگاه‌های فراوان به خصوص برای گوسفندان در مناطق کوهستانی.



صنایع محلی: ابریشم به مقدار زیاد و با نرخ افزایشی.

منابع معدنی: سولفور برای تولید پودر سولفور، چشمه‌های آب معدنی گرم و سرد، رگه‌های از مس و آهن، چشمه‌های نفتی.

تجارت محلی: پنبه، ابریشم، پشم، برنج و چوب شمشاد ( که تقریباً به آخر رسیده است)

## گیلان:

شرایط اقلیمی بسیار شبیه به مازندران است.

محصولات: جنگل‌ها، نیشکر، برنج به مقدار زیاد، چراگاه، انگور، زیتون، انار، پنبه، گندم، سبزیجات و تنباکو.

صنایع محلی: ابریشم به مقدار قابل توجه و در حال افزایش، پردازش تنباکو و سیگار، ماهی‌های دودی برای صادرات،

دستمال‌های ابریشمی، پشم و کتان برای مصرف محلی

تجارت محلی: پشم، پنبه، ابریشم، تنباکو، میوه‌های خشک، خاویار، روغن، برنج و ذرت

## آذربایجان

شرایط اقلیمی: درجه‌ی حرارت خیلی متغیر از ۴۵ درجه‌ی سانتی‌گراد تا منهای ۳۰ درجه. گرمای زیاد در ماه‌های ژوئیه،

اوت. شب‌های بسیار سرد، بادهای گرم، طوفان نمک، درماه‌های اکتبر، نوامبر، مه و ژوئن هوای بسیار مطبوع. برف در

زمستان، روزها و شب‌های بسیار سرد. باران سنگین در بهار و در اواخر پاییز.

محصولات: برنج و گندم به مقدار زیاد، جو، تنباکو، روغن کرچک، حبوبات، ذرت، سیب‌زمینی و گلایی. باغ‌های انگور بسیار

عالی در اطراف تبریز.

صنایع محلی: تولیدکننده‌ی چپق و سیگار، تنباکو، قالی، مقدار کمی پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی برای مصرف محلی‌ها.

کارهای روی نقره و دیگر جواهرآلات، تفنگ‌های بدساخته‌شده‌ی مارتینی برای استفاده‌ی کردها.

منابع معدنی: قیر طبیعی، رگه‌های از نوعی زغال‌سنگ، نمک، رگه‌هایی از مس، شبه شیشه‌ی طبیعی، رگه‌هایی از آرسنیک، مرمربز، آهن به مقدار زیاد، قلع، سولفور، رگه‌هایی از سرب طبیعی، چشمه‌های آب معدنی، گازهای سولفوریک، مرمربز رنگارنگ.

تجارت محلی: تجارت ترانزیت بسیار قابل توجه ولی تجارت محلی چندان زیاد نیست.

### کردستان:

شرایط اقلیمی: درجه‌ی حرارت بسیار متغیر از ۴۰ درجه‌ی سانتیگراد تا منهای ۲۰ درجه. شب‌های سرد و در زمستان بسیار سرد. از اکتبر تا مارس برف فراوان.

محصولات: جنگل‌های بسیار زیبا، جمعیت چادرنشین و در نتیجه وابسته به چراگاه‌ها، ولی گندم، ذرت، جو و بعضی سبزیجات هم کشت می‌شود. پشم خام، خرما و تریاک و مازو [Gall nuts] برای صادرات.

صنایع محلی: قالی، قالی‌های موکری چندان مرغوب نیست ولی قالی‌های صحنه قابل توجه‌اند. ظروف خاکی

منابع معدنی: مرمربز رنگی، چشمه‌های قیر طبیعی، نفت، نمک، گچ.

تجارت محلی: تریاک، پشم، مازو، اسب، سلاح و خرما و دیگر محصولات برای مصرف محلی. منبع اصلی آمدوشد کاروانی از بغداد به ایران مرکزی.

### همدان:

شرایط اقلیمی: یکی از سردترین مناطق ایران، زمستان و بهار بسیار سرد و در تابستان و پاییز هم بارانی است.

محصولات: جو، گندم، روغن کرچک، روغن، تنباکو، میوه و سبزیجات، شراب عالی، چراگاه‌های مرغوب، تریاک.

صنایع محلی: چرم‌سازی، چرم‌های مرغوب، ذوب فلزات، قالی‌های نه چندان مرغوب، کارهای چرمی و فلزی.

منابع معدنی: سنگ خارا، مرمربز سفید، خاکستری، و زرد، زغال سنگ مرغوب.

تجارت محلی: تجارت ترانزیت قابل توجه و بازار کوچک برای محصولات محلی.

## ملایر و بروجرد:

شرایط اقلیمی: در زمستان خیلی سرد است. در تابستان هوای ملایمی دارد، طوفان‌های مکرر و باران‌های شدید. محصولات: تولید گندم مرغوب، تریاک، پنبه، تنباکو، باغ‌های انگور خیلی مولد، باغستان، سبزیجات، باغات فراوان در حومه‌ی شهرها و روستاها، خشک در بخش جنوب غربی. صنایع محلی: در تولید تریاک بسیار پیشرفته‌اند، و بخش قابل توجهی از قالی‌هایی که به اروپا صادر می‌شود. منابع معدنی: مرمر خاکستری و زرد، سنگ خارا، زغال‌سنگ، خاکستر طلا در رودخانه، رگه‌هایی از مس در سنگ‌های سفید. تجارت محلی: تجارت قابل توجه خارجی، تریاک، میوه‌های خشک، قالی، پنبه‌های بافته و رنگ‌آمیزی‌شده، قاطر، تجارت محلی محدود.

## لرستان:

شرایط اقلیمی: آب و هوای بسیار متغیر، بسیار سرد در مناطق مرتفع و در دشت هوای بسیار گرم و در جنگل‌ها و چراگاه‌ها هم هوا بسیار ملایم است. محصولات: در ارتفاعات تولید چندان زیاد نیست ولی در دره‌ها بسیار زیاد است. گندم، جو، برنج، میوه‌های متعدد، سبزیجات، شراب. چادرنشین‌ها با استفاده از چراگاه‌ها و کشت محدود زندگی می‌کنند. صنایع محلی: صنایع پشم بافی محدود و با کیفیت نامرغوب، قالی‌های نامرغوب، تمایل بسیار زیاد در قبایل چادرنشین به زندگی اسکان‌یافته، و توسعه‌ی صنایع خانگی. منابع معدنی: فسیل، نمک زیاد، ذخایر قابل توجه زغال‌سنگ، سنگ آهن، بسیار غنی در مصالح ساختمانی. تجارت محلی: سلاح، مهمات، اسب، گوسفند.

## پشتکوه: (۶)

شرایط اقلیمی: شبیه لرستان است.

محصولات: گندم، برنج، جو، تنباکو، خرما، انار و مرکبات. در جنوب ایران بهترین چراگاه‌ها را در دامنه‌ی کوه‌ها دارد.

صنایع محلی: پارچه‌های پشمی و قالی‌های نامرغوب.

منابع معدنی: فسیل زیاد، مرمر سیاه، گچ با کیفیت بالا، رگه‌هایی از نفت.

تجارت محلی: تجارت محدودی بین قبایل چادرنشین وجود دارد. شماری از آنها خیلی بدوی هستند.

## عربستان:

شرایط اقلیمی: هوای بسیار گرم که حتی به ۵۵ درجه‌ی سانتیگراد هم می‌رسد. در زمستان آب و هوا ملایم است و در

بهار هم بارانی است.

محصولات: گندم، برنج، نیشکر، پنبه، تنباکو، حنا و یونجه، نیل.

صنایع محلی: تولید و تدارک نیشکر، روغن کرچک، و تریاک.

تجارت محلی: تنها در ضروریات زندگی و برای مصرف محلی‌ها که عمدتاً چادرنشین هستند.

## خلیج فارس:

شرایط اقلیمی: یکی از گرم‌ترین سواحل موجود، طوفان شن، و بادهای سام (۷).

صنایع محلی: تجارت محصولات دریایی، ماهی‌گیری، صید مروارید.

تجارت محلی: تجارت ترانزیت قابل توجه.

## خراسان:

شرایط اقلیمی: درجه‌ی حرارت به نسبت بالا، بادهای صحرائی شدید.

محصولات: این ایالت را انبار غله‌ی ایران می‌نامند. روس‌ها هم در طول جنگ با ترکمن‌ها به محصولات این ایالت وابستگی داشتند. نیشکر، پنبه، تریاک و پشم.

صنایع محلی: صنایع دستی پارچه‌های ابریشمی و پشمی، قالی، تولیدکنندگان ترکمن، پوست، چرم‌های بسیار عالی.

منابع معدنی: مرکز معادن فیروزه، مس و زغال‌سنگ

تجارت محلی: صادرات قابل‌توجه گندم، تریاک، تولیدکننده‌ی گیاهان دارویی، شتر، چرم پرداخت‌شده و پشم.

### فارس

شرایط اقلیمی: درجه‌ی حرارت بالا و بادهای که از خلیج فارس می‌آید.

محصولات: غلات، گیاهان رنگی، و باغ‌های انگور.

صنایع محلی: تولیدکننده‌ی بزرگ شراب و قالی.

منابع معدنی: سنگ آهن، مس، رگه‌هایی از زغال‌سنگ، جیوه، انتیموانی، نیکل سولفور و سرب.

تجارت محلی: تجارت نیل، شراب شیراز، قاطر، اسب، و تجارت محلی محدود.

### اصفهان:

شرایط اقلیمی: هوا ملایم ولی در تابستان خیلی گرم است و حسب ارتفاع از سطح دریا متغیر است.

محصولات: غلات، پنبه، تنباکو، تریاک و پشم.

صنایع محلی: صنایع دستی تولید پارچه‌های ابریشمی، چرم‌سازی، پشم‌بافی، کارهای روی طلا و نقره، و نقش‌سازی روی

فلزات.

منابع معدنی: مس، منگنز، سرب، زغال‌سنگ و مرمر.

تجارت محلی: صادرات تریاک و محصولات دستی، قاطر و کارهای فلزی.

## تهران:

شرایط اقلیمی: بهترین شرایط اقلیمی ایران. اروپایی ها به سهولت به این هوا عادت می کنند.

محصولات: فعالیت های تولیدی محدود، باغ های خوب، گندم و سبزیجات، یونجه.

صنایع محلی: آجر، موزائیک، و ضرابخانه ی سلطنتی.

تجارت محلی: شهر مصرف کننده. از خارج از ایران و دیگر نقاط ایران وارد می کند.

### سکه های طلای در جریان در ایران

سکه	وزن قانونی به نخود(۸)	میزان خلوص قانونی	وزن طلای خالص
سکه های قدیمی			
تومان	۵۸,۲۸	۹۹۰	۵۱,۷۵۷۲
نیم تومان	۲۶,۶۴	۹۹۰	۲۶,۳۷۳۶
دو قران	۱۰,۶۵۶	۹۹۰	۱۰,۵۴۹۴۴
سکه های جدید			
دوتومانی	۱۰۰,۶۴	۹۰۰	۹۰,۵۷۶
تومان تا ۱۸۷۹	۵۰,۳۲	۹۰۰	۴۵,۲۸۸
تومان از ۱۸۷۹ به بعد	۴۴,۴	۹۰۰	۳۹,۹۶
نیم تومان	۲۲,۲	۹۰۰	۱۹,۹۸
دو قران	۸,۸۸	۹۰۰	۷,۹۹۲
لیره ی طلا	۱۲۳,۲۷۴۴۷	۹۱۶,۶۶	

### سکه های نقره ی در جریان در ایران

سکه	وزن قانونی به نخود	میزان خلوص قانونی	وزن طلای خالص
سکه های قدیمی ۱۸۵۷-۱۸۷۸			
قران	۷۶,۹۶	۹۰۰	۶۹,۲۶۴
نیم قران	۳۸,۴۸	۹۰۰	۳۴,۶۳۲
یک چهارم قران	۱۹,۲۴	۹۰۰	۱۷,۳۱۶

سکه‌های جدید			
۱۲۷,۸۷۲	۹۰۰	۱۴۲,۰۸	دوقران
۶۳,۹۳۶	۹۰۰	۷۱,۰۴	یک قران
۲۷,۴۶۸	۹۰۰	۳۰,۵۲	نیم قران
۱۳,۷۳۴	۹۰۰	۱۵,۲۶	یک چهارم قران
-	۹۲۵	۸۷,۲۷۲۷۲	یک شیلینگ

سکه‌ی یک قرانی قدیم			
متوسط وزن به نخود	میزان متوسط خلوص	نقره‌ی خالص به نخود	کمتر از استاندارد به درصد
۷۵,۸۸	۸۵۵	۶۴,۸۷۷	۶,۷۶
سکه‌ی دوقرانی جدید			
۱۳۹,۷۷	۸۹۲,۱۶۶	۱۲۴,۶۹	۲,۵۵

سکه‌های فرعی ایران

سکه‌های مسی در بازار ایران

یک پنجم قران - ۴ شاهی، به میزان کمی در جریان است. به آن «عباسی» هم می‌گویند.

یک دهم قران - ۲ شاهی که به آن می‌گویند «صنار» یعنی «صد دینار».

یک بیستم قران - یک شاهی

یک چهارم قران - نیم شاهی که به آن «پول» هم گفته می‌شود

یک هشتم قران (نصف پول) که به آن «جندک» گفته می‌شود و تنها در خراسان در جریان است.

سکه‌های نیکلی که قرار است در جریان گذاشته شود.

سکه‌های دو شاهی به وزن ۶۹,۴۵ نخود که ۲۵ درصد نیکل دارد و بقیه هم مس است.

سکه‌های یک شاهی به وزن ۴۶,۳۰ که همان ترکیب بالا را دارد.

واردات و صادرات کالاهای خارجی به مشهد در فاصله‌ی ۱۸۹۵-۹۶ و ۱۸۹۹-۱۹۰۰

(به پوند)

	۱۸۹۵-۹۶	۱۸۹۶-۹۷	۱۸۹۷-۹۸	۱۸۹۸-۹۹	۱۹۰۰-۱۸۹۹	
(۱)	۱۲۲۹۹۵	۴۲۸۲۴	۴۷۱۹۹	۲۰۶۵۴	۱۵۷۵۹	
(۲)	۱۹۹۱۶۷	۸۹۵۴۷	۱۳۰۲۸۲	۱۲۳۳۲۸	۱۴۲۰۹۹	
(۳)	۸۶۹۲۹	۹۲۵۴۷	۱۲۱۲۷۹	۱۶۳۳۲۲	۱۷۸۷۰۸	
(۴)	۲۴۱۶۶	۱۹۷۴۰	۲۶۶۷۳	۴۷۳۰۰	۴۶۵۱۴	
(۵)	۱۱۸۵۹	۶۲۰۶	۱۲۱۷۸	۲۶۵۷۲	۹۷۷۸	
	۳۲۲۱۲۱	۲۰۸۰۴۰	۲۹۰۴۱۲	۳۶۰۵۲۲	۳۷۷۰۹۹	کل واردات
صادرات						
(۶)	۲۲۲۶۹	۱۹۶۸۱	۴۰۰۸۳	۳۷۵۵۷	۴۲۴۶۶	
(۷)	۶۷۸۸۹	۸۰۳۲۰	۷۹۴۵۳	۱۲۴۷۹۲	۱۴۷۰۷۵	
(۸)	۹۰۸	۲۳۷۹	۱۱۴۹	۲۶۱۵	۸۱۰۴	
(۹)	۱۱۷۶۰	۱۲۶۹۴	۱۵۸۵۴	۲۷۹۴۸	۲۴۵۸۲	
	۱۰۲۸۲۶	۱۱۵۰۷۴	۱۳۶۵۳۹	۱۹۲۹۱۲	۲۲۲۲۲۷	کل صادرات
	۴۲۴۹۴۷	۳۲۳۱۱۴	۴۲۶۹۵۱	۵۵۳۴۳۴	۵۹۹۳۲۶	کل تجارت خارجی

(۱) کالاهای وارد شده از هندوستان که به روسیه ارسال شد.

(۲) واردات از هندوستان از طریق بمبئی و بندرعباس

(۳) واردات از روسیه

(۴) واردات از اروپا از طریق ترکیه و تبریز

(۵) واردات از افغانستان

(۶) صادرات به هندوستان

(۷) صادرات به روسیه

(۸) صادرات به افغانستان

(۹) کالاهای خارجی که از مشهد گذر کرده‌اند



واردات به مشهد از هندوستان از طریق بمبئی، بندرعباس، کرمان (یا یزد) (به پوند)

ترانزیت به روسیه				
۱۸۹۹-۱۹۰۰	۱۸۹۸-۹۹	۱۸۹۹-۱۹۰۰	۱۸۹۸-۹۹	
۸۷۴۱	۸۱۹۳	۳۲۰۲۷	۲۵۱۱۲	چای سبز
۴۴۰۳	۳۰۲۱	۲۶۱۶۹	۱۵۲۹۷	چای سیاه
۱۹۹۰	۴۶۴۰	۳۶۱۰	۱۷۱۰	چای رنگین (نامشخص)
۷۵	۱۲۸	۱۲۶۰۶	۱۷۴۱۴	نیل
-	-	۹۳۰۶	۶۷۶۰	پارچه‌ی شم‌دی انگلیسی و هندی
-	-	۵۴۱۶	۷۰۳۹	چلوارسفید
-	-	۴۶۳۵	۵۴۹۵	چلوار غیر سفید
-	-	۱۰۷۱	۱۶۸۲	چیت
-	۱۲۰	۲۰۰	۱۰۷۹	پارچه‌ی ململ
-	-	۹۸۲	۲۶۷۹	پارچه‌ی رنگ‌شده‌ی قرمز
-	-	۱۰۵۹۸	۶۳۸۸	پارچه‌های متفرقه
-	۸۴۰	۶۵۰	۲۰۰	شال
-	-	۱۶۸۸۰	۱۴۴۳۳	نخ‌های پنبه‌ای تابیده
-	-	۳۰	۶۲۰۳	ورق‌های مسی
-	-	۶۷۱	۶۲۲	قلع و سرب
-	-	۴۱۲	۱۰۰۰	چینی‌آلات
-	۷۰	۸۳۴	۱۴۹۵	کتاب
-	۲۱۱۰	۷۲۷	۵۳۴	زنجبیل
-	-	۹۵	-	رنگ
-	-	-	۲۵۱۹	دارو
-	-	۲۰۰۰	۷۳۲	قهوه
-	-	۴۳۱۱	-	فلفل
۵۵۰	-	۳۱۴۹	۳۹۸۲	ادویه
-	-	۳۰	۲۲۸	تسبیح شیشه‌ای
-	-	۲۲۰	-	جام‌های رنگین

-	۱۵۳۲	۵۴۷۰	۶۰۵	متفرقه
۱۵۷۵۹	۲۰۶۵۴	۱۴۲۰۹۹	۱۲۳۳۲۸	کل

واردات به مشهد از روسیه (به پوند)

۱۸۹۹-۱۹۰۰	۱۸۹۸-۹۹		
۵۶۹۶۹	۳۳۶۷۶	کله‌قند	
۱۹۰۶۴	۲۴۲۹۱	شکر	
۳۵۲۴	۲۵۸۳	شمع	
۹۳۹۳	۳۴۹۲	نفت	
۴۶۹۸۷	۵۹۴۱۴	پارچه‌های پنبه‌ای	
۵۸۱۴	۷۲۳۳	آهن، میخ و غیره	
۲۹۲	۱۰۱۶	فولاد	
۳۰۵۵	۲۵۶۲	برنج، ظرف‌ها و سیم برنجی	
۱۳۲۷۶	۸۹۳۸	بلورآلات و ظروف چینی	
۱۸۰	۴۱۰	گلابتون و غیره	
۲۱۱۶	۲۹۸۹	کاغذ	
۸۸۴	۵۰۲	آئینه و جام‌های بلورین	
۱۹۴۴	۲۱۰	قلع و سرب	
۶۳۶	۳۶۲	چرخ خیاطی	
۵۹۲	۱۰۸۲	زاج	
۱۸	۱۰۰	قرمزخانه	
۱۱۱۷	۹۴۸	قاشق و چنگال و غیره	
۴۲۵۷	۱۰۳۶	کبریت	
۸۰	۴۸	نخ‌های پنبه‌ای	
۱۰۷۲	۲۸۲۲	گونی	
۵۹۰	۲۱۰۰	سیگار و تنباکو	
۲۶۰	۲۰۰	صندلی	
-	۴۹	قاشق چوبی	
۱۴۰۵	۲۱۱۰	متفرقه	
۲۲۰۰	۸۰۰	چای	

سولفور	-	۹۴
سینی	۲۵۶	-
ماهی	۱۰	-
کل	۱۵۹۲۳۹	۱۷۵۸۱۸
<b>واردات از مرو و بخارا</b>		
قالی	۵۱۰	۱۲۱۰
لباس از پشم شتر	۴۰۰	-
چرم خام	۶۰۴	۲۷۶
پوست	۱۶۱۰	۲۱۲
چرم	۱۰۰	۴۲۴
پارچه‌های ابریشمی	-	۷۰
تخم کدو	۱۰۰	۶۰
پالان اسب	۱۱۲	۲۸۷
زین اسب	۱۴۶	۳۲۰
متفرقه	۴۹۲	۳۰
کل واردات از مرو و بخارا	۴۰۸۳	۲۸۸۹
کل واردات	۱۶۳۳۲۲	۱۷۸۷۰۷

**صادرات کالا از مشهد به هندوستان (به یزد، کرمان و بندرعباس) به پوند**

	۱۸۹۸-۹۹	۱۸۹۹-۱۹۰۰
پسته	۸۸۲	۵۶۱
پارچه‌های ابریشمی	۱۵۲۰	۲۲۰۰
بادام	۱۲	۱۸۵
تریاک	۳۳۷۴۵	۳۵۴۰۰
کل	۳۶۱۵۹	۳۸۳۴۵
<b>کالاهای صادرشده از مشهد به هندوستان از طریق سیستان</b>		
پارچه‌های ابریشمی	۵۶۰	۳۲۰۰

اسب	۵۸۰	۶۸۰
بادام	-	۲۴۰
پسته	۲۰۸	-
پشم	۵۰	-
جمع	۱۳۹۸	۴۱۲۰
جمع کل	۳۷۵۵۷	۴۲۴۶۶

صادرات از مشهد به سرزمین روسیه (به پوند)

	۱۸۹۸-۹۹	۱۸۹۹-۱۹۰۰
پشم	۲۶۳۸۲	۲۲۵۶۵
پنبه	۱۲۲۲	۳۲۰
بادام	۲۳۱	۷۱
میوه‌ی تازه و خشک	۱۱۴۵	۱۹۱۳
تنباکو	۳۴۶	۴۹۶
شال	۲۰۵۱۰	۱۶۲۸۴
قالی	۱۱۲۶۵	۲۲۶۱۰
پوست	۲۹۶۸۰	۳۴۲۰۸
پارچه‌های ابریشمی	۱۳۴۰	-
چرم	۳۳۱۷	۱۸۱۴۴
پارچه‌های گلدار	۱۸۸۱۶	۱۰۱۴۳
باراک	-	۵۰۰
پوستین	۲۱۲	۳۶۰
جوراب	۵۰	۱۲۰
کفش‌های روستایی	-	۲۰
متفرقه	۱۰۲۷۲	۱۲۰۰۶
نعل اسب	-	۸۸
نبات	-	۷۶۲۱
سیب‌زمینی	-	۱۰۶
کل	۱۲۴۷۰۲	۱۴۷۵۷۵

توضیح نویسنده: هر پوند معادل ۵ تومان بوده است.



## پرسش و پاسخ و بحث درباره‌ی مقاله‌ی آقای رابینو

سر لپل گریفن:

او گفت، نمی‌توانم مطلب بیشتری به آنچه در این مقاله ارایه شد اضافه کنم. برای اطلاع کسانی که در این جمع حاضرند باید اشاره کنم که آقای ژوزف رابینو رئیس بانک شاهنشاهی در تهران بودند، شخصی باشخصیت و توانایی بالا و بدون شک باصلاحیت‌ترین کسی است که درباره‌ی اوضاع مالی ایران نظر بدهد. او نظر آقای رابینو را که پس از به‌کارگیری مسئولان بلژیکی در اداره‌ی گمرک ایران درآمد ایران بسیار افزایش یافت تایید می‌کند. به وسیله‌ی تلگرام مطالبی دریافت کرده است که حتی در مقایسه با اطلاعات آمده در این سخن‌رانی اطلاعات تازه‌تری به دست می‌دهد و بد نیست بدانیم که برآورد درآمد اداره‌ی گمرکات برای سال جاری - یعنی از ۲۱ مارس ۱۹۰۱ در مقایسه با سه سال پیش دوبرابر شده و به ۴۴۷ هزارپوند رسیده است. به این ترتیب باید شاهد توسعه‌ی بیشتری باشیم وقتی نرخ عوارض ۵ درصدی - برای واردات و صادرات که با یک فرمان سلطنتی در اول ماه ابلاغ شد - با درستی و صداقت اجرا شود. از این میزان برآورد ۱۳۶ هزار پوند درآمد گمرک خلیج فارس و بنادر حاشیه‌ی رود کارون است و حدوداً ۱۰۰ هزار پوند هم درآمد بنادر دریای خزر است و این نشان می‌دهد که با وجود تسهیلاتی که راه‌آهن بین‌قاره‌ای روسیه در اختیار تجارت روسیه قرار می‌دهد، هنوز گسترش و توسعه‌ی تجارت انگلستان در جنوب ایران امکان‌پذیر است. او همچنین اضافه کرد که فرمان سلطنتی اول آوریل ۲۰۰۱ نیز راهداری را حذف کرده و پرداخت‌ها برای تجارت ترانزیت را هم ملغاً کرده است که اگر حکام محلی این فرمان را با صداقت اجرا کنند اصلاح بسیار مفید و مؤثری خواهد بود. در اشاره به کوشش‌های دولت هندوستان برای تشویق راه تجاری نوشکی از طریق بلوچستان به شرق ایران سیر لپل افزود که اطلاعاتی که به وسیله‌ی تلگرام دریافت کرده نشان می‌دهد که تجارت از این راه در سال جاری به نسبت سال قبل ۲۰ تا ۲۵ درصد رشد داشته است. این راهی است که محصولات هندی نه فقط وارد ایران می‌شوند بلکه به ترکستان و آسیای مرکزی هم ارسال می‌شوند. این دورنما که در انگلستان درباره‌اش صحبت می‌شود در خصوص ایجاد راه‌آهن روسی که از شمال ایران و از طریق شرق ایران به خلیج فارس برسد - یعنی به بندرعباس یا بندرلنگه - کاملاً بی‌پایه و اساس است. این راه‌آهن هرگز توجیه اقتصادی نخواهد داشت و هزینه‌ی ساخت‌اش به‌ازای هر مایل ۵ برابر هزینه‌ای است که تاکنون در ایجاد راه‌آهن

در مناطق آسیای خود پرداخته‌اند. برای اطلاعات مفصل در این باره و موضوعات دیگر درباره‌ی راه‌های تجارتي ایران و افغانستان او اعضای انجمن سلطنتی را به مطالعه‌ی کتاب معتبر و قابل‌اعتماد سِر توماس هولدیچ - رئیس بررسی‌های مرزهای هندوستان - فرامی‌خواند. در این کتاب همچنین مشکلات گسترش راه آهن آلمانی از دهانه‌ی خلیج فارس به هندوستان هم بحث شده است. آینده‌ی تجارت منطقه‌ی جنوبی ایران همان‌طور که همیشه بود باید در دست انگلیس باقی بماند و این بدنامی برای تجار و صاحبان تجارت انگلیسی خواهد بود اگر اجازه بدهیم این تجارت از دست‌شان دربرود.

**ژنرال سر توماس گوردون** گفت که به نظر او مقایسه‌ی بین رفتار انگلیسی‌ها و روس‌ها با آسیای‌ها نمی‌بایست در این سخن‌رانی مطرح می‌شد. در مقام کسی که زیاد سفر کرده است و وظیفه‌اش هم ثبت مشاهدات‌اش در ایران و هندوستان و حتی آسیای مرکزی بود او چنین چیزی را مشاهده نکرده است. اگر به‌طور کلی سخن بگویم افکار عمومی به‌درستی به وحدت بین طبقات فرودست و طبقات بالادستی پایان بخشیده است و همان‌طور که بومی‌های بادانش هندی مشاهده کردند به نفع‌شان بود که نظام اداری صادقی پیدا بکنند. ولی اگر تنها به عنوان یک سیاح سخن بگوید او مشاهده کرده است که ایران در عرصه‌ی ضرب سکه پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته است. دیگران از ناکامل بودن ضرب سکه در ایران باخبر شده بودند و می‌دانستند که شمش نقره از ایران به آسیای مرکزی و از آن‌جا به چین می‌رفت. حالا که ضرب سکه در ایران بهبود یافته است بدون شک میزان بیشتری سکه‌های نقره ضرب خواهد شد. پس از این که سیر حرکت سکه‌ها را بررسی کرد که افغان‌ها آن را با سکه‌های روبل که به‌ازای صادرات گوسفندهای فراوان به مرو و بخارا و سمرقند دریافت می‌کردند مشاهده کرد که سکه‌های نیکلی تازه درواقع شبیه سکه‌هایی است که ۲۵۰۰ سال پیش در جریان بود. ایران پیشرفت کرده و در این حوزه‌ها از هندوستان و چین جلوتر است و حتی بعضی‌ها معتقدند که از بریتانیا هم در استفاده از سکه‌های نیکلی جلوتر است. هر ۲۰ سکه‌ی نیکلی معادل یک قران بود و یک قران هم چهارونیم تا پنج پنس ارزش دارد. سکه‌های کم‌بها تر سکه‌های ۵۰ دیناری است و «دینار» هم معیار ارزشی است که از زمان جمشید و اسکندر در جریان بود. به قران هزار می‌گفتند و یک‌دهم آن ۱۰۰ دینار بود. سیاحانی که با زبان محلی آشنا بودند متعجب می‌شدند که محلی‌ها از صدها و هزارها در مبادلات روزانه سخن می‌گفتند، البته صدها و هزارها دینار. این زبان تکان‌دهنده بود ولی نماد ایران بود که همه‌چیز در پیوند با این دو رقم با مبالغه آلوده بود.

**آقای فاستر** - کنسول برای ایران - خوشحال شد که توجه انجمن سلطنتی و از طریق آن توجه دنیای خارج به سوی کشوری جلب شده است که او مسئولیت نمایندگی منافع تجاری لندن در آنجا را به عهده دارد. با توجه به موقعیت رسمی‌اش او نمی‌تواند درباره‌ی محتوای این مقاله نظری ابراز کند. در پیوند با نظر سر لپل گریفن درباره‌ی راه‌های تازه تجاری به ایران، او که تازه از هندوستان بازگشته است، از کوشش دولت هندوستان برای تشویق این راه تجاری باخبر است. او تردید ندارد که راه تازه امکانات ارتباطی بین هندوستان و ایران را بهبود می‌بخشد. شخصاً معتقد است که نه فقط امکانات زیادی برای بهبود شرایط در ایران وجود دارد بلکه شاه تازه (مظفرالدین شاه) یک شاه به‌واقع بادانسی است و کسی است که تا جایی که می‌تواند می‌کوشد ایده‌های تازه‌ای برای بهبود وضعیت کشورش را تشویق کند. به گفته‌ی آقای فاستر آنچه عیان است این که بهبود امکانات ارتباطی داخلی و بازکردن راه‌های تجاری تازه برای بهبود وضعیت اهمیت اساسی دارد. البته مشکلاتی وجود دارد که به گمان او به مقدار زیادی رفع شده‌اند. راه آهن به تأخیر افتاده بین بمبئی و کراچی تأیید شده و قرار است به‌زودی ساختمان‌اش آغاز شود. این یک حلقه‌ی مهمی در ارتباط راه آهنی با هندوستان خواهد بود. در ضمن آلمان‌ها در سوی دیگر می‌خواهند امکانات ارتباطی را گسترش بدهند و در آینده نه چندان دور راه آهن از اروپا به هندوستان از طریق سواحل خلیج فارس به صورت یک واقعیت درخواهد آمد.

**آقای ریس** گفت از موقعی که او در ایران بود زمانی زیادی می‌گذرد و او تنها می‌خواهد چند پرسش را مطرح کند نه این که اطلاعات تازه‌ای ارایه نماید. وقتی آقای رابینو از واحد پول نقره سخن گفت آقای ریس فرض کرد که نظام پولی ایران بر اساس سکه‌های نقره‌ای است درحالی که می‌داند همه‌ی ارزش‌گذاری‌ها بر اساس سکه‌ی طلای تومان بیان می‌شوند. او می‌دانست که سکه‌ای به نام تومان وجود داشت - او آن را در تهران دیده و حتی با آن معامله هم کرده است - اگرچه جریان‌اش محدود است. نویسنده همچنین به رقابت بین قران و روبل اشاره کرده است ولی این رقابت باید در ۱۵ سال گذشته پیش آمده باشد چون ۱۵ سال پیش که او به بخش عمده‌ای از امپراطوری روسیه سفر کرد سکه‌ی روبل را مشاهده نکرده بود. در خصوص شیوه‌ی رفتار با آسیایی‌ها او با ژنرال کروپاتکین موافق است اگرچه روس‌ها آنها را به شیوه‌ای سرکوب کرده بودند که با دوستی و برادری ناهمخوان است ولی در مقایسه با انگلیسی‌ها آنها به همان اندازه و حتی بیشتر موفق شده بودند تا مناسبات شخصی دوستانه با آسیایی‌ها را حفظ کنند. او معتقد است که در این نکته که



انگلیسی‌ها بیشتر به فکر سلطه‌جویی بوده‌اند حقیقتی نهفته است. رفتار بعضی از سیاحان که بدون این که نیازی باشد تا بن دندان خود را مسلح می‌کردند در تأیید نکته‌ی پیش‌گفته است درحالی‌که بنا به تجربه‌ی خودش همیشه با دوستی و مهربانی با او رفتار شده بود. او همانند ژنرال گوردون معتقد است که ایرانی‌ها در بیان رده‌بندی و ارقام مبالغه می‌کنند. ولی درعین‌حال این نظام به آنچه در آن سوی جهان در سان‌فرانسیسکو وجود دارد برتری دارد که سکه‌ی طلای بسیار باارزشی دارند که معادل ۴ پوند است و ارزان‌ترین کرایه‌ی مسافرکشی هم ده شلینگ است. او نظام ایرانی را ترجیح می‌دهد. او البته اندکی تعجب کرد وقتی شنید که تجارت ایران به سالی ده میلیون پوند رسیده است و بسیار خوشحال است که می‌بیند خیلی از مشکلاتی که ۱۵ سال پیش در زمان سفر او به ایران وجود داشت رفع شده‌اند. در کنار این سخن‌رانی سِر لپل گرفتن هم به یک کتاب مفید دیگر اشاره کرد که دانش ما را از ایران بیشتر می‌کند: کتاب سرگرد پاک که درباره‌ی راه جنوبی تجارت بین ایران و هندوستان است که لرد کرزن برای گسترش‌اش کوشش می‌کند. درباره‌ی رقابت تجاری او از آمارهایی که در ترکستان چین جمع‌آوری شده است می‌داند که روس‌ها بر تجارت هندی‌ها سبقت گرفته‌اند. او همچنین می‌داند که بخشی از دلیل کاهش تجارت ما با ترکستان چین به خاطر عوارضی است که دولت هندوستان بر ماده‌ی مخدری به نام «چرس» وضع کرده است که بر تجارت ما تأثیر منفی گذاشته است.

ژنرال توماس گوردون اشاره کرد که قلم عمده‌ی وارداتی به هندوستان چرس بود. دولت هندوستان بر اساس گزارش کمیسیون تریاک این عوارض سنگین را وضع کرد که باعث شد این تجارت کاهش یابد. چرس یک ماده‌ی مخدر خطرناکی است و سیاست دولت هندوستان در این مورد درست بود.

آقای ریس دنباله‌ی صحبت را گرفت و گفت نه فقط در مرزها بلکه در جبهه‌ی غربی تجارت روسیه رشد می‌کند و نرخ رشدش هم از دیگران بیشتر است. در مورد ایران این تحول باید تازه و جدید باشد. در گذشته نه فقط در ایران که در چین هم تجارت بریتانیا در مقام اول بود و بقیه بعد از آن قرار می‌گرفتند. در پیوند باشکوه سِر آرتور نیکلسون درباره‌ی کیفیت نامرغوب کالاهای انگلیسی تا آن‌جا که او مشاهده کرده است سقوط تجارت بریتانیا به این خاطر بود که تولیدکنندگان انگلیسی حاضر نشدند به ارجحیت‌های مصرف‌کنندگان این منطقه توجه کنند، چیزی که برای حفظ مقیاس تجارت انگلستان ضروری و حتمی بود. مردم باورهای خودشان را دارند که ممکن است درست یا غلط باشند ولی این

حق‌شان است که آنچه را که برای‌شان مناسب است داشته باشند و اگر ما آن را تهیه نکنیم حتماً دیگری این کار را خواهد کرد. در این‌جا البته نگاه مؤلف چندان به‌روز نبود. او گمان داشت که از اظهارنظرهای سیاحان فایده‌ای به دست می‌آید- به غیر از تازه‌ترین‌ها- و شک و تردیدهای‌شان باید رفع شود. اگر در فرایند رفع تردیدها شاهد پیشرفت بودیم خواه به نفع ما بوده باشد خواه خیر ولی به ما کمک خواهد کرد که موضوع را بهتر درک کنیم.

**آقای کوک** که درباره‌ی حجم کم تجارت سخن می‌گفت بیان داشت که با سخن‌ران قبلی موافق است که آقای رابینو در برآورد ۹ تا ۱۰ میلیون پوندی‌اش از تجارت ایران راه مبالغه‌آمیز ایرانی‌ها را دنبال کرده است. تنها چند سالی پیشتر هر ماه یا هفته یک کشتی بخار از انگلستان به مقصد خلیج فارس حرکت می‌کرد که بعد با توقف در ماریسی بار قند و شکر می‌زد و این تنها محصول غیرانگلیسی بود که کشتی‌ها حمل می‌کردند. پس از رسیدن به خلیج کالاها در بوشهر و بصره خالی می‌شد. از بصره کالاها را با قایق و استفاده از رودخانه به بغداد و دیگر بنادر ایرانی می‌بردند. در حال حاضر ماهی یک کشتی و گاه تنها دو کشتی از انگلستان به مقصد ایران حرکت می‌کند. برای رساندن کالاهای انگلیسی به بازارهای ایران راهی به غیر از همین کشتی‌های بخار نبود. البته بعید نیست میزان کمی تجارت هم به وسیله‌ی کمپانی پی‌اند او (۹) به منظور ترانزیت به بازارهای خلیج فارس به بمبئی برده شود ولی در مقایسه با کشتی‌های بخار مستقیم میزان‌اش اصلاً قابل‌توجه نیست. در پیوند با تجارت قند و شکر حرکت‌های مهمی در جریان است که چه‌بسا برای صادرات فرانسه مضر باشد. ایرانی‌ها قند و شکر کمی تولید می‌کنند ولی مصرف‌شان به نسبت زیاد است و همه‌ی کشتی‌های بخاری که از ماریسی به طرف ایران می‌رفتند میزان قابل‌توجهی قند و شکر حمل می‌کردند. دولت روسیه به یک خط کشتی‌رانی در ادوسا یارانه می‌دهد تا به تجارت فرانسه در جنوب ایران لطمه نزنند. درحالی‌که مثل فرانسوی‌ها جایزه‌ی صادراتی قابل‌توجه می‌دهند کوشیدند شرکت‌های کشتی‌رانی را متقاعد کنند تا این محموله‌ها را با کرایه‌ی خیلی کم حمل کنند. این شیوه که به بخش خصوصی کمک کنیم تا در یک نهضت ملی و سراسری شرکت کنند خصلت روش عملکرد روس‌هاست. آقای کوک هم معتقد است که تجار انگلیسی هم اندکی در پیش آمدن این وضع مقصر هستند ولی از زمانی که «تجارت بریتانیا در مقام اول بود و بقیه بعد از آن قرار می‌گرفتند» تاکنون رقابت بر سر جوایز صادراتی و یارانه در همه‌سو شدت گرفته است. در ایران هم سلاح تازه‌ای به کار گرفته می‌شود. از نفوذ دولت روس و منابع دولت

روس در رقابت با تجارت بریتانیا استفاده می‌شود و این شیوه از رقابت روس‌ها در بنادر خلیج فارس تنها در چند ماه گذشته ظهور پیدا کرده است. ایالت‌های شمالی که غنی‌ترین و حاصل‌خیزترین بخش ایران بودند با روسیه هم‌مرز هستند. بازارهای روسیه به روی کالاهای ایرانی باز است و به همین نحو بازارهای ایران هم به روی کالاهای روسی بازند و طبیعی بود که تجارت ما در این منطقه از ایران چندان قابل توجه نباشد. شماری از کارشناسان سیاست‌پردازی درباره‌ی آسیای مرکزی گفته‌اند دولت بریتانیا با شیوه‌ی عصبی برخورد خود به روس‌ها امکان داد تا با تخفیف پرستیژ بریتانیا بر آسیای مرکزی مسلط شوند. این صرفاً بیان احساسات بود. روسیه در این مناطق حاضر بود و آنچه که دوست داشت انجام می‌داد. با تضمین دولت روسیه راه خیلی خوبی از تهران به سواحل بحر خزر ساخته شد و تجار انگلیسی هم امتیاز ساخت راه از تهران به بنادر خلیج فارس را گرفته‌اند که ۶۰۰ مایل طول دارد. انگیزه‌ی اولیه این بود که کشتی‌رانی رود کارون را به جریان بیندازند و بعد این جاده ساخته شود تا کالاهای انگلیسی به‌سهولت به تهران و کرمانشاه برسد، مراکز که جمعیت به نسبت زیادی دارد و مردم به‌طور متوسط از مردم جنوب غنی‌ترند. ولی به دارندگان امتیاز هیچ‌گونه کمک و مساعدتی نشد. البته بازسازمان‌دهی گمرکات نیز به آقای نوز از بلژیک واگذار شده است. نظام جدید باعث شد درآمدهای گمرک از ۱۸۰ هزار پوند در سال به ۴۰۰ هزار پوند در سال برسد و دولت ایران که منافع بهبود نظام مالی خود را مشاهده می‌کند در حال بررسی است تا نظام جمع‌آوری مالیات‌های داخلی را بهتر سازمان‌دهی کند. نتیجه بدون تردید این می‌شود که موقعیت مالی ایران در مقایسه با آنچه تاکنون بود استحکام بیشتری خواهد یافت. یک تاجر برجسته زمانی می‌گفت هر چه پول به ایران می‌رود دیگر باز نمی‌گردد. این بیان اگر در دوره‌ای صحت داشت اکنون دیگر صحت ندارد. در پیوند با سکه‌ی طلا از تومان یاد شد که بیشتر برای هدیه دادن استفاده می‌شود نه این که سکه‌ی در جریان کشور باشد. واحد واقعی پول در جریان قران است و هر ده قران هم معادل یک تومان است. حوزه‌ی دیگری که شاهد بهبود قابل توجهی در ایران هستیم در اداره‌ی ضرابخانه است. رسم بود که ضرابخانه را به یکی اجاره بدهند و او هم هر میزان سکه که با منافع‌اش جور درمی‌آید ضرب می‌کرد. شاه کنونی مضار آن نظام را شناخته و به همین خاطر بانک شاهنشاهی را به کار گرفته تا سکه‌های مسی زیاده از حد را جمع‌آوری و با سکه‌های نیکلی جایگزین کند. انتظار این

است که به این وسیله پس از چند سال طبقات فقیرتر جمعیت که از سکه‌های با ارزش کم استفاده می‌کنند به اندازه‌ی نیازشان از این سکه‌ها خواهند داشت و با مدیریت درست ضرابخانه ارزش خرید این سکه‌ها پایدار خواهد بود.

**آقای بینز** عقیده دارد که حتی بدون توجه به اشاره‌ی سیر لپل‌گرفین به موقعیت شغلی مؤلف محتوی سخن‌رانی آن‌قدر جالب است که باید قدرشناس انجمن برای ارایه‌اش باشیم و از سوی انجمن هم علاقه‌مند است اعلام کند که نیک‌بخت‌اند که به سخن‌رانی‌ای گوش دادند که اگرچه به معنای دقیق کلمه آماری نبود ولی به کارشناسان فرصت کاملی داد تا اطلاعات عمومی درباره‌ی شرایط اقتصادی ایران را ارایه کنند. در مقام کسی که از سوی مؤلف این سخن‌رانی را ارایه داده‌ام تنها می‌توانم به یک یا دو نکته‌ی کلی بپردازم. برای مثال، همه می‌دانند اصولی که روس‌ها با آنها جمعیت وابسته به خود را مدیریت کرده و می‌کنند با شیوه‌ای که انگلیسی‌ها رفتار می‌کنند تفاوت دارد. کوشش‌های روس‌ها برای مستعمره‌سازی در شرایط ابتدایی است و او معتقد است که وقتی زمان‌اش برسد این احساس سطحی آشنایی و دوستی از سوی نژاد مسلط و به‌خصوص رابطه‌های غیرمنظمی که از سوی یکی از پرسش‌کنندگان مطرح شد به همان جایی خواهد رسید که در مورد دیگر کشورها رسیده است. اگر به تاریخ بازگردیم آنها - غربی‌ها - متوجه شدند که نزدیکی بیش از اندازه‌شان و همدردی مبالغه‌آمیز باعث تضعیف نژاد مسلط شد، همان‌طور که در مستعمرات اسپانیا در امریکای جنوبی، مستعمره‌های پرتغالی‌ها یا در مقیاسی کوچک‌تر حتی جزیره‌های مستعمره‌ی فرانسوی‌ها پیش آمد. به گمان آقای بینز اشراف‌زاده‌ی انگلیسی که از آماج اهانت ژنرال کروپاتکین قرار گرفت نه فقط دوست و راهنما بلکه فیلسوف جوامع وابسته بود که باعث شد در مقایسه با رفتار روس‌ها که در مسائل غیرمهم خیلی بامحبت و دوستانه ولی درباره‌ی مسائل اساسی خشن و بی‌رحم بودند، نتایج دائمی به دست آید. به نظر او شیوه‌ی عمل روس‌ها باعث پیشبرد تمدن نمی‌شود، هرچند ممکن است در مقایسه با شیوه‌ی کار ما زودتر شرایط را آرام کند. در خصوص چرس تا آن‌جا که به خاطر دارد شواهد موجود درباره‌ی پی‌آمدهایش ثابت کرد که چرا بهتر شد که صادرات‌اش متوقف شد ولی باید گفت که این تنها قلم صادراتی از آسیای مرکزی به شمال غربی هندوستان نبود. بخش مهمی از تجارت در چرس بعداً اتفاق افتاد و بعد با واردات بوره تغییر جهت داد. او خرسند است از این که مدیریت متمدنانه و صادقانه‌ی گمرکات در ایران به همان نتایجی رسید که به کارگیری این شیوه در مقیاسی وسیع‌تر در چین به دست آورد. و اما درباره‌ی طرح روس‌ها، او گمان نمی‌کند

که روس‌ها این طرح را جذاب ببینند و راه آهن به بندر عباس را احداث کنند. البته اگر منافع سیاسی ناشی از آن قانع کننده باشد، هزینه‌های انکارناپذیرش موجب کنارگذاشتن این طرح نخواهد شد. ولی یک راه آهن احداث شده به منظورهای سیاسی بدون توجه به هزینه‌ی احداث، وقتی که به اتمام برسد با توجه به اهدافی که روس‌ها احتمالاً دارند و با توجه به دیگر حرکت‌های سیاسی و بازرگانی که اتفاق خواهد افتاد خیلی زود به دست‌انداز افتاده و خنثی خواهد شد. او با آقای کوک موافق نیست که دولت باید با استفاده از منابع مالی عمومی از تجارت کشور حمایت کند. حدوداً ۱۱ سال پیش دولت هندوستان مجدانه کوشید تا راه تجاری کارون به روی کشتی‌های بخار گشوده شود. از همه‌ی نفوذ دولتی استفاده شد و برای مدتی یارانه هم پرداخت شد و حتی مأمورانی هم اعزام شدند تا شرایط را برای پیشرفت تجارت نه فقط در منطقه‌ی کارون بلکه در منطقه‌ی بختیاری‌ها هم بررسی کنند. او خبر ندارد که آیا این قسمت از ایران حاصل خیزتر از دیگر مناطق به خصوص مناطق غربی باشد که در واقع مفید باشد که تجارت‌اش در دست خودمان بماند ولی معروف است که منطقه‌ی بین شیراز و اصفهان غنی‌ترین مناطق ایران‌اند. او یقین دارد که همه دوست دارند از آقای رابینو به خاطر مقاله‌ی ای که ارائه داده است تشکر کنند.

رئیس جلسه سرگرد کریگی پیشنهاد کرد از سوی جمع از آقای رابینو تشکر شود. برایش جالب بود که در خلال بحث‌های جالبی که در گرفت اشاره‌ای به شرایط کنونی و رشد جمعیت ایران نشد تا بتوان با شرایط موجود در کشورهای دیگر مقایسه شود یا در پیوند با تغییرات به بحث گذاشته شده و حجم تجارت در مقایسه با تعداد ساکنان هم بررسی نشد. او نمی‌داند که آیا آقای بینز که به راستی باید از ایشان هم تشکر کنیم نکاتی دارد که برای روشن شدن موضوع ارایه کنید یا خیر.

ویراستار نشریه این نظر را در پایان افزوده است.

- امیدوار بودیم پاسخ کوتاهی از آقای رابینو به مباحث مطروحه برسد که بتوانیم در شماره‌ی سپتامبر این نشریه

منتشر کنیم. اگرچه نسخه‌ای از این مباحث را برای ایشان به تهران فرستادیم ولی وضعیت پست اجازه نداد تا

پاسخ ایشان را دریافت کنیم.

اصل مطلب به انگلیسی:

Joseph Rabino, "An Economist's Notes on Persia", *Journal of Royal Statistical Society*, June, 1901, pp. 265-291 .

(1) Eteocle Lorini (1900): La Persia Economica Contemporanea E La Sua Questione Monetaria, Rome, Ermanno Loescher & co.

به دلایلی که برای من روشن نیست رابینو، نام کوچک لورینی را « کاوالیره اووچاتو» ثبت کرده است. آنچه روی کتاب آمده است همین است که در بالا نوشته‌ام.

(۲) مرکز اوکراین در غرب روسیه‌ی آن زمان.

(۳) منظور جنگ‌هایی است که در سال‌های ۱۸۷۷ تا ۱۸۸۸ برای تصرف ترانسوال و مناطق جنوبی افریقا برپا شد و در ابتدا انگلیسی‌ها پیروز شدند.

(۴) شهری در ساحل دریای سیاه در ترکیه‌ی کنونی

(۵) ژوزف نوز بلژیکی که در زمان مظفردالدین شاه ابتدا مدیر کل گمرکات شد و سپس به وزارت کل گمرکات ایران رسید.

(۶) منطقه‌ای در غرب ایران که شامل لرستان فعلی می‌شود.

(۷) باد سموم یا باد سام که از عربستان می‌وزد و با شن و خاک همراه است.

(۸) هر نخود معادل ۱۹۲ میلی‌گرم است.

(۹) کمپانی P&O یک شرکت کشتی‌رانی بریتانیایی است.